

سر دادن شعار حقوق زن، تلاشی برای فرو بردنش در منجلاب انحلال اخلاقی است!

(ترجمه)

از زمانی که غرب با سلاح‌های فکری خود بر سرزمین‌های اسلامی تسلط یافت و با سقوط خلافت، اسلام در جایگاه اتهام قرار گرفت، ادعا شد که این دین به زنان حقوق‌شان را نمی‌دهد، آن‌ها را پایین‌تر از مردان می‌داند و مانع پیشرفت و همگامی‌شان با تمدن می‌شود، با وجود هوش و توانایی‌هایی که دارند. در نتیجه، درخواست‌هایی برای برابری زنان و مردان بر اساس الگوی تمدن غربی مطرح شد؛ اما آیا این شعارها واقعاً باعث نجات زنان می‌شوند، یا آنکه جنگی دیگر علیه مفاهیم اسلامی در رابطه با زنان و مردان است؟ و چگونه این تبلیغات در سرزمین‌های اسلامی گسترش یافت؟

تمدن غربی زن را به‌عنوان کالایی ارزان‌قیمت می‌بیند که مورد خرید و فروش قرار می‌گیرد تا آنچه را که خود نهایت خوشبختی می‌پندارد، محقق کند. در نتیجه، زن تنها ابزاری ارزان و بی‌ارزش می‌شود که صاحب آن هر طور که بخواهد، از او بهره‌برداری می‌کند، به‌گونه‌ای که شرافت و زیبایی‌اش را در ازای لذت‌بخشی به نفس‌های آلوده و ارضای غریزه‌ای که به حیوانیت نزدیکتر است، می‌فروشد و این برهنگی را آزادی می‌نامد. بدین ترتیب، زن دوباره به همان جایگاهی که در جاهلیت قدیم داشت، بازگردانده شده است. در آن دوران، پدر، دختر خردسال خود را از ترس ننگ و فقر زنده‌به‌گور می‌کرد؛ اما در جاهلیت مدرن، زن به چاهی افکنده می‌شود که خود تمدن غربی آن را حفر کرده است، با این تفاوت که هدف اکنون سودجویی از جسم، شرافت و کرامت اوست! جاهلیت مدرن، زن را از کرامت انسانی به پایین‌ترین مرتبه حیوانیت کشانده است.

غرب، زنان را با شعارهای فریبنده و عناوین پرزرق‌وبرق فریب داد و آنان را از دژی که عزت، شرافت و کرامتشان را حفظ می‌کرد، بیرون کشید و در میان جنگلی از درندگان انسانی رها کرد.

تمدن غربی، زن را شریک مساوی با مرد در حقوق و مسئولیت‌ها می‌بیند؛ به‌گونه‌ای که او را در میادین کار در رقابتی شانه‌به‌شانه و دست‌در‌دست با مردان قرار می‌دهد و در نتیجه، او را از نقش اساسی‌اش به‌عنوان مادر و سرپرست خانه بازمی‌دارد. در اروپا، پدر، اگر اصلاً در خانواده حضور داشته باشد، مسئولیتی در قبال تأمین هزینه‌های دخترش پس از عبور از دوران نوجوانی ندارد، بلکه از او می‌خواهد که هزینه اقامت در خانه را بپردازد. اگر توانایی پرداخت نداشته باشد، گاهی به بی‌رحمانه‌ترین شکل ممکن از خانه اخراج می‌شود و در نهایت مجبور می‌شود برای ادامه زندگی، هر نوع کاری، حتی تن‌فروشی نماید.

تمدن غربی، زن را عنصر اساسی در اقتصاد می‌داند. به‌عنوان مثال؛ نظریه لیبرالیسم، زن را شریک برابر در اقتصاد معرفی می‌کند و بر این اساس، او باید در نیروی کار مشارکت کند. در بسیاری از کشورهای غربی که مدعی ارتقای جایگاه زن و حمایت از حقوق او هستند، برابری زن و مرد در فرصت‌های شغلی به‌عنوان یک اصل مطرح شده است، اما نتیجه این سیاست، کنار کشیدن مردان از مسئولیت‌هایشان در قبال زنان بوده که این خود نوعی ظلم آشکار محسوب می‌شود.

سقراط، یکی از بزرگترین فلاسفه تاریخ اروپا، در توصیف زن چنین گفته است: «زن مانند درختی سمی است که ظاهر زیبا دارد، اما هر پرنده‌ای که از آن بخورد، می‌میرد». آیا تحقیر و توهینی بالاتر از این برای زن وجود دارد؟ و آیا خواری و ذلتی بزرگتر از این وجود دارد؟!

برخی سازمان‌ها برای دفاع از حقوق زنان پا پیش گذاشتند، اما در حقیقت، این سازمان‌ها آن‌ها را به سمت درندگان انسانی سوق می‌دهند. برای مثال؛ سازمان عفو بین‌الملل در مقدمه بیانیه خود چنین می‌نویسد: «هر فرد باید بتواند درباره بدن خود تصمیم بگیرد... هر زن و دختر، حقوق جنسی و تولیدمثلی دارد. این بدان معناست که آن‌ها، به‌طور برابر، حق دسترسی به خدمات بهداشتی، مانند روش‌های پیشگیری از بارداری و سقط‌جنین ایمن را دارند و همچنین می‌توانند درباره ازدواج، زمان ازدواج و انتخاب شریک زندگی خود تصمیم بگیرند. علاوه بر این، آن‌ها باید بتوانند درباره داشتن فرزند، تعداد آن، زمان فرزندآوری و انتخاب پدر فرزندانشان آزادانه تصمیم‌گیری کنند».

این سازمان همچنین، برای منحرف کردن زنان مسلمان از دینشان، اظهاراتی را منتشر کرده است. در یکی از بیانیه‌های خود درباره اردن، چنین نوشته است: «در اردن، سازمان عفو بین‌الملل از مقامات خواسته است که به همکاری با نظام "قیومیت مرد بر زن" که ناقض حقوق زنان است، پایان دهند. این نظام بر زندگی زنان کنترل دارد و آزادی‌های شخصی آن‌ها را محدود می‌کند، از جمله بازداشت زانی که متهم به ترک خانه بدون اجازه هستند یا زانی که روابط جنسی خارج از ازدواج داشته‌اند و همچنین آن‌ها را به انجام آزمایش‌های تحقیرآمیز بکارت وادار می‌کند».

بنابر این، غرب استعمارگر کافر این‌گونه به زن نگاه می‌کند. او را تحقیر و بی‌حرمت می‌کند، شرافت و عفتش را پایمال می‌سازد، انسانیتش را از بین می‌برد و نقش حقیقی‌اش را که برای آن خلق شده است، تقریباً از او سلب می‌کند.

در مقابل، اسلام زن را بر اساس فطرتش در جایگاه واقعی خود قرار داده است. در مقدمه قانون اساسی دولت خلافت که حزب‌التحریر آن را ارائه می‌کند، در ماده ۱۱۲ چنین آمده است: «زن در اصل، مادر و سرپرست خانه است و او شرف و عفتی است که باید مورد صیانت قرار گیرد».

اما در مورد صیانت از زن و حفظ عفت او، اسلام واجب کرده که «هنگامی که زن به سن بلوغ می‌رسد، نباید چیزی از بدن او دیده شود؛ مگر این دو و پیامبر ﷺ به چهره و دستان خود اشاره کرد». بنابراین، مشخص کردن پوشش زن در فضای عمومی امری واجب است تا عورت او پوشانده شده و نگاه طمع‌کاران به سوی او جلب نشود.

برخلاف سایر اصول، اسلام برای زن حریم خصوصی‌ای تعیین کرده است که در آن، تنها خود او یا محارمش حضور دارند. الله متعال می‌فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ) [نور: ۲۷]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به غیر خانه‌های خودتان داخل نشوید، مگر آنکه انسی با اهل آن داشته باشید و به اهل خانه سلام کنید، این کار شما برای شما بهتر است، شاید متذکر شوید.

الله در این آیه از ورود به خانه‌های دیگران بدون اجازه اهل آن‌ها نهی کرده است. واژه «تَسْتَأْذِنُوا» کنایه از درخواست اجازه است و هدف از آن، جلوگیری از ورود ناگهانی به خانه‌ای است که ممکن است زنان در آن در وضعیت نامناسبی باشند.

اسلام، همان‌گونه که محدوده عورت را مشخص کرده، افراد مجاز به دیدن بیشتر از آن را نیز به‌دقت تعیین کرده است. این نشانه‌ای از صیانت کامل زن و ممانعت از خلوت میان زن و مرد نامحرم است. ابن عباس روایت کرده که پیامبر ﷺ فرمود: «هیچ مردی نباید با زنی خلوت کند مگر آنکه محرم او همراه باشد».

اسلام همچنین تمام راه‌های تحریک و جلب توجه در فضای عمومی را بر زن بسته و هر چیزی را که نگاه‌ها را جلب کند و غریزه را تحریک نماید، از طریق تحریم تبرج، ممنوع کرده است. الله متعال می‌فرماید:

﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَغْفِنْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [نور: ۶۰]

ترجمه: و زنان بازنشسته و یائسه‌ای که امید ازدواج ندارند، گناهی بر آنها نیست که لباس روی خود را بیرون بیاورند، به شرط آنکه خودنمایی با زینت و آرایش نکنند و اگر عفت خود را حفظ کنند، برای آنها بهتر است و الله شنوای دانائی است.

این بدان معنا نیست که زن نباید زیور و آرایشی داشته باشد، چراکه زینت برای زن به‌طور کلی جایز است. بلکه مقصود این است که نباید زینت خود را به شیوه‌ای آشکار کند که باعث جلب‌توجه مردان شود. اسلام با وضع این احکام، نظم و امنیت را در فضای عمومی تضمین کرده است، به‌گونه‌ای که همه مردم در جامعه احساس آرامش و اطمینان کنند. این احکام تأکید می‌کنند که زن در اسلام، شرف و عفتی است که باید مورد صیانت و محافظت قرار گیرد.

تمام این احکام نشان‌دهنده توجه اسلام به صیانت از زن و حفظ حقوق اوست. پس از چه آزادی‌ای برای زن سخن می‌گویند؟ و از کدام حقوق دروغین دم می‌زنند؟

این غربی‌های سرمایه‌دار که از طریق سازمان‌هایی که خود تأسیس کرده‌اند، زن را در منجلاب فساد و انحلال اخلاقی فرو می‌برند! این چیزی جز افترا و فریب دادن زنان نیست! هیچ نظامی جز دولت خلافت راشده که احکام اسلام را بر اساس منهج نبوت اجرا می‌کند، نمی‌تواند زن را محافظت کند و کرامتش را حفظ نماید. از این رو، واجب است که تلاش خود را چندین برابر کنیم تا خلافت را برپا سازیم و یقین داشته باشیم که خداوند با ماست و اعمال ما را ضایع نخواهد کرد.

برگرفته از شماره 534 جریده الرایه

نویسنده: استاد زهرا داود-ولایه سودان